

خانه ایرانی؛ نماد هنر ملی و مذهبی

آذر 11، 1393

این روزها دیگر از آن خانه‌های قدیمی خبری نیست، بناهایی که هم  مناسب‌ترین مکان برای سکونت ساکنان شان بودند و هم شاهکار معماری. در کوچه پس‌کوچه‌های باریک و قدیمی شهرهای سوزان کویری که قدم می‌زنی، در پناه سایه دیوارهای بلند خاکی رنگ، به درهای کوچک چوبی و فلزی برخواهی خورد که تقریباً غیرممکن است بتوانی آنچه در نهان آنها وجود دارد را پیش‌بینی کنی. این درها، ورودی‌های دالان‌های باریک و نیمه تاریکی هستند که شما را به یک حیاط بزرگ و وسیع می‌رسانند؛ حیاطی که دور تا دورش را فضاهای مختلفی پر کرده و یک خانه ایرانی را شکل داده است؛ خانه‌هایی که مناسب‌ترین مکان برای سکونت یک خانواده ایرانی هستند. خانواده‌های ایرانی به حفظ حریمیت‌ها و خلوت خود بسیار اهمیت می‌دادند و درون‌گرایی یکی از ارزش‌های متمایز اساسی خانه ایرانی است که عنصر بنیادی در پیدایش خانه به شمار می‌رفت و تمام تمرکز معمار سنتی بر درون خانه بوده و بیرون خانه از اهمیتی کمتر نسبت به درون برخوردار بوده است تا ساکنانی که در یک خانه گرد هم می‌آیند احساس خستگی و کسالت نکنند و برای تحقق چنین امری معمار از عناصر مختلفی بهره می‌گرفته است. عناصر مختلف معماری که در طراحی یک خانه به کار گرفته می‌شد کارایی‌های فراوانی نیز داشتند و تنها پاسخ گوی یک کارکرد خاص نبودند بلکه مجموعه‌ای از نیازها را همزمان تأمین می‌کردند. انعطاف‌پذیری فضاهای خانه، مثالی در بیان این ویژگی است. فضاهای خانه نه بر اساس عملکرد، که بر اساس کیفیات معمارانه‌شان نامگذاری شده‌اند و بسته به ویژگی‌های فضایی و ابعاد، پذیرای فعالیت‌های مختلفی در ساعات مختلف شبانه روز یا همزمان بودند و در عین حال قابلیت بسط یافتن نیز داشتند.

ورودی؛ راهکاری برای ایجاد حس دعوت کنندگی

اولین فضایی که از خانه ایرانی نمایان می‌شود ورودی است، تنها بخشی از خانه که با شهر ارتباط برقرار می‌کند. هر ورودی از یک سر در ورودی برخوردار است که عنصری دعوت کننده در فضای ورودی به حساب می‌آید و معمولاً دیوارهای بیرونی کاه گلی بوده و فقط سر در به صورت مجلل ساخته می‌شده است و این تدبیر در راستای تحقق خصوصیت

دعوت کنندگی و جاذبه ی فضای ورودی اندیشیده می‌شده است. در بیشتر خانه‌های سنتی، درهای ورودی دو لنگه و چوبی هستند و برای در زدن خانه از ابزار متفاوت بر روی درب چوبی استفاده شده است تا تشخیص جنسیت فرد پشت در برای صاحب‌خانه امکان‌پذیر باشد. عنصر حلقه برای زنان و کوبه برای مردان بر روی اغلب درها وجود داشته است. ادغام معماری ایرانی و فرهنگ اسلامی باعث شده تا هنر ایرانی در جهان به نام هنر و معماری اسلامی معرفی شود. در کنار ورودی اصلی خانه سکوهایی وجود داشت تا کسانی که با صاحب‌خانه کار داشتند ولی لازم نبود وارد خانه شوند در آن فضا منتظر بمانند و همچنین این فضا مکانی برای گفتگو و تعامل با همسایگان و دیگران به شمار می‌رفته است.

هشتی، برقراری ارتباط بین بیرون و درون خانه

هشتی یا کریاس اولین فضا پس از ورودی و تقسیم کننده فضای ورودی به دو یا چند جهت است و سبب می‌شود امکان دید به داخل خانه وجود نداشته باشد. در خانه ها دو یا چند راه از داخل هشتی منشعب می‌شده که هر یک از آنها به فضایی خاص و از جمله به فضای داخلی بنا یعنی حیاط منتهی می‌شده است. هشتی ها دارای اشکال منظم هندسی بوده و بیشتر دارای ارتفاع کم و مناسب با فضای ورودی است.

حیاط؛ قلب تپنده یک خانه

معماری و شهرسازی ایرانی ارتباطی دو سویه با طبیعت دارد. در شهر ایرانی بناها دارای حیاطی مرکزی هستند که قلب یک خانه سنتی است و در آن ساکنین علاوه بر آنکه امکان مشاهده آسمان، ماه، ستارگان و خورشید را دارند از آب نما و گل و گیاه نیز بهره می‌برند و این امر ارتباط با طبیعت را در معماری ایران معنا می‌بخشد. حیاط در این خانه‌ها همزمان عامل تأمین حریمیت و حفظ حرمت خانواده و عزت نفس ایرانیان، و به عنوان فضایی ارتباط دهنده بین فضاهای داخلی خانه بوده است.

اتاق، زمستان نشین، تابستان نشین

اتاق در خانه های ایرانی به صورت های گوناگون ساخته شده و هر یک ویژگی خاص خود را داشته است. یکی از علایق ایرانیان در ساخت خانه ها ایجاد ارتباط بصری بین اتاق و فضای بیرون (حیاط مرکزی) بوده است. این اتاق ها براساس تناسب طلایی طراحی می‌شده اند و اتاق های خانه به دو بخش زمستان نشین و تابستان نشین تقسیم بندی

میشدند. اگرچه زمستان نشین پیش از آنکه نام فضاي معيني باشد، به همه فضاهایي که در وجه شمالي حیاط ساخته میشوند تا از آفتاب زمستان که با زاویه‌ای مایل به درون اتاق‌ها می‌تابد استفاده کنند، گفته می‌شود، اما مجموعه معيني از فضاها با رابطه‌ای خاص، مجموعه فضاهای زمستان نشین نامگذاری میشوند. فضاي اصلي زمستان نشین روي محور اصلي قرار گرفته و براي ورود بیشتر نور خورشید اغلب پنجره‌های آن را از ارس‌های بزرگ (پنجره‌های که بازشو عمودي دارند) می‌ساخته اند. داخل فضاي اتاق با توجه به بسته بودن فضا، تزئینات پیچیده‌ای چون قطارهای مقرنس و آئینه کاری‌های بسیار پیچیده دیده می‌شود. تابستان نشین نیز موقعیتی مانند زمستان نشین داشته با این تفاوت که در وجه جنوبي حیاط قرار گرفته است تا در تابستان از تابش مستقیم آفتاب در امان بماند و روي محور اصلي آن معمولاً فضاي نیمه باز با تالار قرار می‌گیرد. این تالارها و ایوان‌ها جز در مواقع بسیار سرد سال مهمترین فضاي زندگی در خانه بوده اند، و اگرچه همیشه تزئینات داشته‌اند، اما با توجه به باز بودن و نفوذ گرد و خاک، از تزئینات بسیار پیچیده در آنها پرهیز و به نقوش ساده گچی در ترکیب با آجر یا سیم گل قناعت می‌شده است.

شاه نشین، مکانی برای تکریم و احترام میهمان

شاه نشین، قسمتی از اتاق است که شبیه ایوان ساخته می‌شود، اما به طرف حیاط در ندارد و کمی بالاتر از سطح اتاق است. معمولاً اتاقی که شاه نشین در آن قرار دارد از نوع پنج دری است. شاه نشین محل میهمان‌های بزرگ بوده است و راه ورودی به آن از راهروهای کناری و یا یکی از اتاق‌های کنار شاه نشین است.

ایوان، فضایی برای یک شب نشینی خانوادگی

ایوان یا ایوانچه همان صفا است. فضایی کوچک تر از تالار است که معمولاً در جلوي یک اتاق قرار می‌گرفت و دارای سقف و جلوي آن باز و بدون درب و پنجره بود. گاهی اوقات با بازکردن درب‌های اتاق خانه ایوان‌ها به فضاي اتاق متصل می‌شدند و به این ترتیب فضاي اتاق‌ها و ایوان بسط و گسترش پیدا می‌کردند و فضایی بسیار دل‌انگیز برای یک شب نشینی خانوادگی به وجود می‌آمد.

خانه ایرانی، مکانی برای حفظ آرامش و سرزندگی

از دیگر عناصر فضایی خانه می‌توان به تختگاه، حوضخانه، طنبی، مطبخ، پستو (انبار)، زیرزمین، آبریزگاه و... اشاره کرد اما آنچه از

چیدمان این فضاها در کنار یکدیگر و الگوي خانه هاي ايراني بر مي آيد آن است که اين خانه ها در کنار هماهنگي با بوم و اقليم در طراحي هايشان، براي ما ايراني ها حريمي مقدس بودند؛ محلي براي يکپارچگي خانواده هايمان. آنها فراتر از ارزش معماري شان فضايي بودند براي آرامش و سرزندگي يک خانواده ايراني که علاوه بر تامين امنيت و محرميت، استقلال ساکنان خانه در آنها مد نظر بوده است.